

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه بیستم)

در جلسه‌ی گذشته به شرح این فراز دعای ندبه «وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَجَعَلَتْ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِدْءًا وَوَزِيرًا» پرداختیم. در این جلسه به ادامه‌ی آن و شرح مسئله‌ی وزیر بودن حضرت هارون برای حضرت موسی می‌پردازیم.

وزارت حضرت هارون

وزیر در عربی یعنی کسی که زیرِ وزیر (بار و مسئولیت) می‌رود؛ یعنی کسی که بارِ حکومت را به دوش می‌کشد و اصلِ سختی کار بر گردن اوست؛

پس کسی که در جایگاه وزارت قرار می‌گیرد

باید تحمل و صبر فراوان و شرح صدر داشته باشد.

در مورد امیرالمؤمنین هم همینطور بود. در غالب موارد، بار سنگین حکومت پیامبر بر دوش امیرالمؤمنین قرار می‌گرفت. پیامبر برای نزول قرآن جنگید، امیرالمؤمنین برای تأویل آن؛ پیامبر با کافران جنگید، امیرالمؤمنین با منافقان؛ کاری که سخت تر و پیچیده تر است.

لازمه‌ی سعه‌ی صدر و خوشنامی در امر تبلیغ

این کارِ سختِ رسالت و حکومت، علاوه بر سعه‌ی صدر، حتماً خوشنامی می‌خواهد؛ یعنی اگر پیامبر، محمد امین نبود به سادگی او را نمی‌پذیرفتند؛ پس مقبولیت، عنصر مهمی است؛ اما این مقبولیت همانطور که مانیفست تبلیغ است برای دشمن هم راه [مبارزه] است. دشمن ابتدا تلاش می‌کند تا کسی که قصد تبلیغ دارد، دیده نشود (بایکوت خبری)؛ اگر نتوانست و این فرد بین مردم دیده و محبوب شد به تخریب و تهمت و تمسخر روی می‌آورد. برای همین به پیامبر اسلام، شاعر و مجنون می‌گفتند.

راز حرف سین

در جلسه‌ی گذشته گفتیم که حضرت موسی برای انجام مأموریت و رسالت خود چند چیز از خدا خواست. از جمله فرمود: «گفت: "پروردگارا سینه‌ام را برایم بگشا و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشای تا سخن مرا به طور عمیق بفهمند."» (طه / ۲۸-۲۵)

برخی مفسران از جمله ابن عباس می‌گویند: «در زبان حضرت موسی گیر و گره‌ای بود» نقل دیگر این است که حضرت موسی در تلفظ برخی حروف مشکل داشت. اصطلاحاً شین و سین ایشان می‌زد. به همین دلیل یهودیان عموماً سین را شین تلفظ می‌کنند. سلام را شلام و سلیمان را شلیمان و موسی را موشه می‌گویند. موسی به معنی از آب گرفته شده است. خدا در قرآن اسم عبری ایشان را استفاده می‌کند؛ اما تلفظ صحیح آن را اینگونه به ما می‌فهماند که این تلفظ (موشه) اشتباه آنهاست. این اشتباه تلفظی به این دلیل بود که آنها فقط از پیامبر خود تبعیت می‌کردند و او را مرجع (تلفظ) قرار می‌دادند در صورتی که باید به هارون که فصیحتر بود، رجوع می‌کردند. جالب است که خدا در قرآن حرف سین را حرف رمز این موضوع قرار داده است. این رمز در مقابل همان مشکل یهودیان است و سراسر توهین به آنهاست. از جهت دیگر حرف سین خواص ویژه‌ای دارد. از جمله سین، حرف انتقال و تیزی و تندی است (speed، سرعت، سه‌سوته)، حرف سخن گفتن است (speak، سخن، صحبت)، حرف رازآلودگی و امور پنهانی است (اسرار، secret، وسوسه، ساواک، ام‌آی‌سیکس، سیا) به علاوه حرف بزرگی و سیادت است (سیادت، سید، مستر (mr)، اسود)، خود پیامبر فرمودند: «من سین هستم.» امام صادق در مورد آیه‌ی یس فرمود: «یاسین نام پیامبر است و گواه آن، آیه‌ی "إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ" و آیه‌ی "عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" (یس / ۳ و ۴) است.» (بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۸۶)

سلیمان بن قیس عامری نقل می‌کند: «از علی شنیدم که می‌گفت: "پیامبر خدا یس است و ما خاندان او هستیم."» (بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۸۶)

حضرت موسی در ادامه‌ی درخواست‌های خود از خدا می‌گوید: «وَأَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي؛ هَارُونَ أَخِي»؛ «و وزیر از خاندانم برای من قرار ده؛ برادرم هارون را.» (طه / ۳۰ و ۲۹)

حضرت موسی در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی قصص یکی از دلایل این درخواست را می‌گوید: «برادرم هارون، زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند.» شباهت‌های عجیب و غریب حضرت هارون و امیرالمؤمنین، نعل به نعل موجود است. بُرُوز و ظهور فصاحت در امیرالمؤمنین نیز بیشتر از پیامبر است؛ حتی ما که عرب نیستیم از فصاحت و

بلاغت خطبه‌های امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه تعجب می‌کنیم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** در شرح فراز **«يَا ابْنَ يَسَّ وَالذَّارِيَاتِ»** به طور مفصل به کلمه **يس** و اشارات و معنای آن خواهیم پرداخت. این **«يَا ابْنَ يَسَّ»** یک دنیا حرف دارد؛ مثلاً آیهی **«سَلَامٌ عَلٰى آلِ يَاسِينَ»** در وهله‌ی اول، سلام به حضرت الیاس است و در بطن دیگر، اشاره به پیامبر دارد و در واقع **«سَلَامٌ عَلٰى آلِ يَاسِينَ»** است.

معنای اهل بیت

نکته‌ی دیگر در مورد **«وَأَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِي»** این است که «من اهلی» دو معنا دارد:

- هم به معنای اهلیت هارون و همفکر بودن او با جریان فکری حضرت موسی است؛
- و هم به معنی خویشاوندی است.

اما اصل اهلیت، همفکر و تابع بودن است و برادری، مسئله‌ی ثانویه است.

به همین دلیل خدا در مورد پسرِ ناخلفِ حضرت نوح می‌فرماید: **«قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...»**؛ «فرمود: "ای نوح او از اهل تو نیست او عمل غیر صالحی است (فرد شایسته‌ای نیست)".» (هود / ۴۶)

وزارت امیرالمؤمنین برای پیامبر

پیامبر در حدیثی به وزیر بودن حضرت علی برای خودشان اشاره می‌کنند. پیامبر فرمود: «یا علی وصیت مرا حفظ کن؛ تعهدات مرا بپرداز و به عهد‌ها و پیمان‌های من وفا کن و وعده‌های مرا عملی ساز و قرضم را پرداخت کن؛ روش و سنت مرا زنده بدار و مردم را به ملت من دعوت کن؛ زیرا خداوند مرا انتخاب نموده و برگزید، یادم آمد از دعای برادرم موسی، گفتم: "وزیری از خاندانم برای من قرار ده؛ چنانچه هارون را وزیر موسی گردانیدی" خداوند به من وحی کرد: "علی وزیر و ناصر و جانشین بعد از تو است."» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۲۱)

شبهت دیگر حضرت هارون و امیرالمؤمنین

حضرت موسی و هارون از پدر و مادر یکی هستند؛ اما در بازگشت حضرت موسی از میقات، حضرت هارون، ایشان را اینگونه خطاب می‌کند: **«قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي...»** (طه / ۹۴)

این عبارت از یک جهت اشاره به این ویژگی نژاد یهودیان دارد که نسب از سمت مادر منتقل می‌شود؛ اما در بطن دوم آیه به رابطه‌ی امیرالمؤمنین و پیامبر هم اشاره دارد. پیامبر (در

روضه‌الواعظین، محمدبن‌فطال، ص ۷۶) در مورد فاطمه بنت‌اسد، مادر امیرالمؤمنین فرموده است: «او پس از ابوطالب بهترین خلق خدا به لحاظ رفتار با من بود و مادر دیگر من پس از آمنه بود.» ابن‌عبدالبر در الاستیاب (ج ۴، ص ۱۸۹۱) می‌گوید: «پیامبر در پاسخ به تلافی و قدردانی زحمات فاطمه بنت‌اسد او را آماه (مادر من) می‌خواند؛ یعنی الزامی ندارد، وقتی شما به کسی می‌گویید آخی (برادر) حتماً از یک پدر باشید.»

أخوت امیرالمؤمنین و پیامبر

اولین دعوت پیامبر در مورد نزدیکان خودشان بود. پیامبر مطابق امر الهی ۴۰ نفر از نزدیکان و خویشان خود را دعوت کردند و آنها را به اسلام دعوت کردند و فرمودند: «ای فرزندان عبدالمطلب... من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدا به من فرمان داده است تا شما را به سوی او فراخوانم، اکنون کدام یک از شما مرا یاری می‌کند تا برادر من و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟» هیچ‌کس پاسخ نداد؛ اما علی علیه‌السلام که از همه کوچکتر بود، گفت: «ای پیامبر خدا، من تو را یاری می‌کنم» پیامبر فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا»؛ «این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.» پیامبر سه بار درخواست خود را مطرح نمودند و در هر سه بار تنها امیرالمؤمنین اعلام حمایت و اطاعت کردند. (اثبات‌الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۱۸۳)

این روایت هم مؤید این امر است که منظور از این اخوت در وهله اول، همفکری است.

امیرالمؤمنین در قرآن

یکی از معجزات قرآن، عجایب و اشارات ابجدی آن است. خدا در سوره‌ی مزمل به پیامبر می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا»؛ «همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن.» (مزمل / ۹)

ابجد عبارت «لا اله الا هو» ۱۱۰ یعنی برابرِ ابجدِ اسمِ علی است. به علاوه خود امیرالمؤمنین در حدیثی فرمودند: «من (معنای) لا اله الا هو هستم»؛

یعنی خدا در بطن این آیه به امیرالمؤمنین و یاریگر بودن ایشان برای پیامبر اشاره می‌کند.

خلافت حضرت هارون و امیر المؤمنین

حضرت هارون در غیاب حضرت موسی جانشین ایشان شد؛ پس تمام مناسب حضرت موسی برای حضرت هارون نیز بوده است. حضرت موسی پیش از رفتن به میقات، دست برادرش را بالا برد و او را خلیفه‌ی خود معرفی کرد و به هارون فرمود: «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛ «و موسی به برادرش هارون گفت: "جانشین من در میان قومم باش و (آنها) را اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی منما."» (اعراف / ۱۴۲)

امیر المؤمنین نیز میان قبول خلافت به شرط عمل به سیره‌ی خلفای پیشین یا خانه‌نشینی، مخیر شدند و خانه‌نشینی را برگزیدند و این آیه را خواندند؛ زیرا ایشان هم اجازه و تمایلی به تبعیت از مسیر باطل نداشتند.

تفاوت امیر المؤمنین و حضرت هارون

با وجود تمام شباهت‌ها، یکی از تفاوت‌های حضرت هارون و امیر المؤمنین این است که حضرت هارون پیش از حضرت موسی از دنیا رفت و إلا ایشان نیز مانند امیر المؤمنین جانشین پیامبر زمان خودش می‌شد.

داستان بنی اسرائیل برای عبرت مسلمانان است؛

اگر ما این داستان‌ها را بشنویم و عبرت بگیریم و مانند آنها عمل کنیم، عذابی سخت‌تر از آنها در انتظار ماست؛ اما مسلمانان نیز مانند بنی اسرائیل، خلیفه‌ی بر حق پیامبر خود را پس زدند و سراغ دیگران رفتند و از مسیر هدایت دور شدند.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه بیستم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، آبان ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)